بررسی انتخابنگر مفهوم «خود» در اندیشه جماعت گرایان

*محمد عبدالنژاد بور
دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
(تاریخ دریافت: 23/10/89 - تاریخ تصویب: 14/11/89)

چکیده:
یکی از مهم‌ترین انتقادات جماعت‌گرایان به قلم‌های بُربری در سویه هستی شناسی بر مفهوم «فرد» است. چون در قلم‌های بُربری به صورت هم و نظریه عدالت جان رالز به صورت خاص بر تصویر فردگرایی تا فردیت‌پیامده آن که در بنیاد نقش‌گذاری شده در ساختار تاریخی و اجتماعی شکل گرفته است، به‌همین دلیل آنان اهداف، ارزش‌ها، باورها و رفتار جماعت می‌دانند. از اینرو، جستجو پیشرفت درصد بررسی سویه هستی شناسی بر مفهوم «خود» در اندیشه جماعت‌گرا است: با این فرض که تا کنون مقدماتی در ساختار هستی شناسی سیاسی صرفاً طرح بدون‌پایایی آن و ماهیت آن جنبی بیش از خود مفهوم‌ند و پرسش‌های اجتماعی نیست.

واژگان کلیدی:
جامعه‌گرایان، انسیمس، خود فردیت‌پیامده، خود اجتماعی و مفهوم‌برد

* Email: m_o_abdollahi@yahoo.com
مقدمه

دهه ۱۹۸۰ میلادی را با بید مناظره بین لبرالیسم - جامعه‌گرایی و نیز واکنش اتفاقی‌تنی چند از فیلسوفان چون سندل، مک انتیا، تیلور و والر با برچسب جامعه‌گرایی به فلسفه سیاسی لبرالیسم کلاسیک بی‌معنایی و نظریه عدلای جان رالز به معنای خاص دانست. جامعه‌گرایی فلسفه سیاسی-اجتماعی است که بر اهمیت اجتماع در پدیداش حیات سیاسی تاکید دارد. از سوی دیگر، موج دوم انفکت در دهه ۱۹۹۰ بوسیله انگلیسی‌زبانی چون اسکاتلندیان، ویلیام گالستون و غیره به راه ادایشش شد. فیزی از این دو موج تحت عنوان دو نجع در جامعه‌گرایی باید می‌کند: یکی نظریه سیاسی و دیگری فلسفی است. در بعد نظریه سیاسی تاکید بر برنامه‌ها و ایده‌ها در عرصه سیاست‌گذاری و نیز مباحث اخلاقی و سیاسی است. ولی نجع فلسفی اساساً بر تقد آمرزه‌ها ویلرلر تاکید دارد (11؛ 1999: مهم ترین مدعای اصلی این نجع فلسفی در باره مدعای هستی شناسانی یا متفاوت‌کی همان ماهیت اجتماعی خود است (216؛ 2005: Bell). بنابراین، سه تقد بر انتولوژی‌ی لبرالی فیزیک از: ۱- تقد تقدم فرد برم و جامعه (ماهیت متفاوت‌کی و اخلاقی فرد)؛ ۲- تقد تقدم حق بر خبر (اختلاس وظیفه راک‌گرایانه)؛ ۳- تقد تقدم عدلای بر ارزیابی دیگر (الاترین ارزش). از آنچه که مبانی اصول هستی شناختی نظریه‌های لبرالی در دهه بارونی و آتشه است حال دو موضوع دیگر حق و عدالت نخالی مانند همان‌الهی می‌شود.

در نهایت، باید خاطر نشان ساخته که این جستار در ۲ بخش تجزیه شده که در بخش اول به بررسی مدعای اصلی جامعه‌گرایان در باب انتولوژی خود و سپس در بخش بعدی به تألیف نزدیک چنین انتگارهای در مورد انتولوژی خود بردانه توازه شد.

انتولوژی «خود»

در نظریه لبرالی دو مفهوم در ارتباط با انتگیر اهمیت است: یکی، مفهوم قرارداد اجتماعی و دیگری ماهیت اخلاقی با متفاوت‌کی فرد است. در ارتباط با مفهوم قرارداد باید گفت مهم ترین عامل مشترک در آموزه‌های قراردادگرایی این است که بن مانند حیاتی و راستین پیشرفت سیاسی بر اساس قرارداد با توافق است که هم‌رو به آن را می‌تواند، سابقه می‌شود (37؛ 2005: Forsyth). در همین ارتباط، ویژه نظریه رالز می‌گوید بر قرارداد است، زیرا او درصد این است تا تلقی اش از عدلای به مبانی انتقال را با رجوع به سنت پیچور ارائه دهد: «هدف این است که برداشتم از عدلای ارائه دهم که سطحی بالای از...» (Bowker, 1997: ontologia، یعنی «علم هستی» (science of being)
هژمون افرادی چون لاق، روس و کسانی که روی عجایم و
اجنام دهند، ایجادی که ایده راهنما این است اصول عدالت برای ساختار اساسی جامعه، هدف
(
Rawls, 1971: 10)
توافق اولیه است. به عبارت دیگر، 
„بَن‌چُرَ از دهای اجتماعی برای چربانی از اکثریت منطق با برداشت از افراد به عنوان فرد آزاد و برابر است.” (2005: 22).
حال، چنین مدتی و هدف را ایفا دنیای می کنند: اول این مناظری برای انتخاب و اصل
عدالت فراموش کرده می کنند، در ثانی، آن قصد دارد تا به ما نشان دهد که چرا ما باید شرایط تناز
خاص به وسیله این اصول را بپذیریم. (Ibid)
پس میتوان چنین گفت روش قراردادگرایی
رارس میهم از برداشت از بر مورد عدلات به مثابه انساند است.
اما فرگرایی مختلفی به دو موضوع یا از هم تاکید دارد. نخستین موضوع بر این امر
دارد که علّی‌الادعا افراد به وسیله گویند و تیتراز اجتماعی اجتماعی تشکیل می‌شود: یعنی، آنها
عند مقاله خیمه شب بازی باندهای تاریخی یا هر واقعیت اجتماعی بررسی نشدن و
دومین موضوع بر استفاده فاعل از یکدیگر تا کادم دارد (11).

به تعیین دیگر، یک اهتمام منفی افراد از دو واقعیت ناشی است: یکی، همان استقلال آنان از
یکدیگر و دیگری، آنان به عنوان می‌تواند اخلاقی نقدی مهم در ترتیبات نهادی دارد: یعنی
نهادهای اجتماعی سیاسی با یکدیگر حسب ارتقاء خیز افراد بررسی و قضاوت می‌شود. از این رو،
جاماعت گرایان بر این نظر هستند که فرادگرایی مختلفی از افراد بر این فرض استوار شده است
که روابط افراد با یکدیگر کمایی محتمل است و نیز دیدگاه امپسمی نسبت به هریت‌های
افراد امتحان می‌شود. در نتیجه، اجتماعات به اندازه سیاسی یا این اصول استفاده تنظیم
شوند چون که عدالت دارای اولویت و تقدیم است و تمام اشکال همکاری اجتماعی بر
اساس اصول مقیاس عدالت است که مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

در مقابل، به باور سندل چنین تکمیل قائل شد برای عدالت به منزله ارزش
ارشته‌هایی است. یعنی، عدلات نه تنها ارزش‌های مه در میان انسانی از ارزش‌های دیگر است که به
عنوان استلام، موقعیتی برای بررسی و مداخله است بلکه آن تا حدی ابارزی است که به وسیله
آن ارزش‌های دیگر مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد.” (1982: 6-15). حال، این
مسائل مقیاس است که این ارزش ارزش‌ها به که معناست که بر اساس آن، حکم ارزش‌های
با توجه به آنها مفید است؟ در جواب این مسئله سندر استفاده می‌سازد به معناه این
تقدیم بازیابی اخلاق است که چنین معنا است تبیه نکته راز از اخلاق غایت گرایی‌ها برای دانش
است. اما معناه دیگری نیز وجود دارد که طبق آن عدالت بازیابی بر این ارزش‌هایی که آن
ارزیابی می‌کند مقیاس است. از اینجا که معناه دوم بیشتر جنبه معنی‌شناختی دارد با استلام
اخلاقی، چنین امری می‌تواند منجر از منشأ تمایز معیار ارزیابی از شی ارزیابی شده است.

(Ibid: 16)

نیازمندی به تحقق این امر را نظارت بر نقل قول و اهدافشان منتقلی می‌کند. او رازی از مناسبی اخلاقی مربوط به، نقل قول و نقل قول، مناسبی اخلاقی رابطه بین حق و خبر را خاطر نکرده‌اند. او رازی از مناسبی اخلاقی است که به

(Ibid: 17)

به نظر رازی، وحدت ماهوی خود پیش از این به ویژه برداشته حق فرآهم می‌شود و قد و اهدافی که در هر صفت به هم جویده و در دو تایی، به عنوان موجب انتخاب گز سالشوند. به همین خاطر برای سندل، توسع و نوان کامل مداخلی‌های را و به استقلال هم در وجوه اخلاقی هم معرفت شناختی، اساساً در هر هر یک از "خود" قابل درک است. به علاوه بر این، سویگیری از این قبیل خود مربوط پر مفید از اهداف، نگرش ها و مقصد است و آن هیچ گاه نتیجه وضعیت و شرایط اجتماع نیست. مسئله ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که این نتیجه دارای چه معنا و آزادی‌های این است که به اساس آن یک جوهر اخلاقی اساسی بر اهداف انتخاب شدند است. سنبل در جواب خاطر نشان می‌سازد که یک معنی این تقدم یک "باپیم" اخلاقی است که این امر ضروری را با توجه به خود بستگی دارد، با توجه به خود بستگی داخل

(Ibid: 19)

از طرفی دیگر، سندل معطوف است توجه رالز متقن عقیده، "مردوب" به یک خود را. به نوعی آدمی منفی‌الاختیاری که از قبل برای آنها معنی پیدا و مقدیر بر اهدافی که به می‌گردد هر خاصیت دارد (شنیده‌اند: 1974) مقدیر بوده به یک مفهوم خود مستقل، تصویری در جهان اخلاقی است که این "خود" با یک ایناقه می‌گردد. حتی این خود مستقل در وضع نخستین مقدیر بر اهداف است، حال چنین پرداشتنی غیراجتماعی از وضع نخستین مورد انتقاد سنبل است؛ چون طبق این دیدگاه "انسان معنوی می‌تواند کاملان"
نوانایی و استعدادهایش را به مهارت انتخاب مستقل و پیاینده باطل و گسترش دهند (Charvet, 2005: 189). ما را سیستم بر این نظر است که ما نویسنده حالت «وضع نخستین» را بزرگنمایی و نبانایی ما هیچ دلیل برای پیشرفت در اصل رازی به‌هور اصلی لیبرالیستی نداریم که در چین قرارداد عضویت می‌شود. از همیشه، این ناپایداری‌های متورتازیک و هم برداشت لیبرالی از فرآیند (Kelly, 2005, 229) مدعای سندن این است که سوده‌ها و مناخم را در پس «برده جهان» خود به کامل متفکر متورتازیک است آن‌ها به عون خود مقیمی کنند بر اساس روایت و عمل اجتماعی خاص تئی تی نمی‌شود، یعنی خود بوسیله‌های تقویم می‌شود، خودی که درک مقدم بر اهداف با مزه‌ها ثابت نیست.

بنابراین، نظرهای لیبرالی از فرد نمی‌توانند ماهیت «وضع نخستین» خود مزیت را در نمایش می‌دهند، و جامعه را درک می‌کند. حالا، این وضعیت محدودیت سن که به‌ویژه است، این وضعیت است که آگاه می‌شود. جامعه محدودیت هر‌کدام دارای وضع کننده، ناهنجاری و وجود آورده و اعمال را را نباید. یا به حساب آورده (میانه، ۲۷۵:۲۳۰) پس از نقد سندن چین مستندگی می‌شود که نظره فرد اجتماعی زن و برداشت او بر شخصی که بر آن استوار است، تامسوم و تفسیر عدل‌الاسلام غیر قابل توجه است.

از سوی دیگر، مکاپی‌نگری معقد است از ابتدا مدعای لیبرالیسم این بود که «چارچوب سیاسی، حقوقی، اقتصادی را فراهم کنند تا در آن... اصول مورد قبول و موج‌آوره آن را می‌توانند تا به طور گسترش از برداشته خیال متفاوت و تازگرگار از زندگی می‌گیرد برای آنان ها MacIntyre, 1988: 336). از این روز، به نظر از مقول خود در سنت لیبرالی دچار عارضه شده است، یعنی سنتی که دچار مبانی عاطفه‌گرایی ملی‌سازی شده است (MacIntyre, 1988: 336). علت این بیماری به سطح برداشت نادیده آنها به عون و موجود جمعیت نشان می‌دهد که شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی خاص است. یا به نظر این، از نمونه صرفه‌های قدیمی و شرط می‌گویند از این علل تلقیه‌های جامعه داشته باشد به این دلیل که فضاهای ها و فعالیت‌های فعالی است. حال، چنین خود عاطفه‌گرایی نامیده می‌شود (MacIntyre, 2007: 31). بنابراین، چنین خود دموکرات‌های شده هم ممکن جامعه فضایی، از همین می‌تواند به، این نیاز از عقلانیت یا حتی هویت اجتماعی لازم است. از همین رو، یک درصد است یا با وارد کردن
مفهوم غایت به اختلال، تعریف کارکردی از ماهیت انسان به دست دهد. به تعبیری اگر
بخواهیم به فرstrar فردی پی برپیت یا بد پیشین که یکی دارای چه نقشی است، بینی شناخت ما از
یک فرد خاص در موضوعات خاص ناشی از شناخت نقشه‌ای به دو سیستم اجتماعی کاملاناً
مشخص و معنی نداشت، چنین چیزی به افراشته‌ای هایش در جهان گرده
امروزی در این ادغام هویت فردی امروز بر ساختمان است، چون افراد احیای هویت‌های
اجتماعی خاصی هستند که در ظرف زمان و مکان خاص، بهنیرون از آن شكل گرفته است، به
به‌لحاظ تاریخی و اجتماعی بر هم متغیر هستند. پس، چنین برداشتی از خود درکت، بر خود
موفقیت مدت و اجتماعی دارد.

چارلز تیلور، همچون سنتل و مکاینای، ناقد و جه معرفت‌شناختی و فلسفه سیاسی
اندیشه حاکم بر مفهوم خود است؛ در وحجه معرفت‌شناختی خلاصه امریپستی و در
وحجه سیاسی متفق‌لفسه‌ای به ریزه انسانیسم است. به تعبیری و برایاس دیدگاه‌های فرد
دارای حقوق و خودبسته‌نگه‌گیری می‌شود که نهروی از جامعه قرار دارد، در حالی که وی با استنداد
به حکم ارس‌توی معتقد است انسان با خود یک جامعه‌سیاسی است و خبر آن درون
جامعه قرار دارد نه نهروی از آن. به نظر اکثریت سیاگردیه و خود نمی‌یابد به خشش
[لیرن‌ل] مستلزم زنیه اجتماعی است (Kerr, 2004: 89). چنین تلقی اجتماعی از خود نهایی این برداشت
قرردادگرایان از مفهوم خود است; برداشتی که درصد دفع از تقدیر فرد و حقوقش بر جامعه
و نیز ارائه دیدگاهی کاملانه مکانیکی از جامعه است (Taylor, 1985, vol II: 187). اما برای او،
انسان‌های جامعه‌سیاسی، یا در واقع جویان سیاسی است که هم نه آن خود مستقل نیست;
بلکه بیرون از دولت شاه، فردی خودبسته‌نگی نیست (Ibid: 189). یا این وصف می‌تواند دو بخش
فرص مهم داشته باشد. چنین چیزی مورد نیز می‌باشد: یکی خودبستگی انسان و دیگری مقدم حق بر خبر;
به نظر وی افراد بیرون از جامعه ای اجتماعی نمی‌توانند خود بسند. حال افراد طبق
نظریات دره باوری نابی به سبک اجتماعی برای توسعه و عملیاتی شایان برای خودگردانی
ندارند. در مقابل، تیلور استدلال می‌کند که این توانایی‌ها فقط می‌توانند در نوعی
خارج از جامعه با نوعی خاص از محیط اجتماعی محقق شود.

یکی از اقتدازات تیلور به نظام‌های انسانی این است که «هجی پژوه بر ارائه معنای مشترک
بایکی چنین گزارد که در آن عوامل و نهادهای مان گنجانده شوده، این تمایز درصد است‌تا درکی
از فردیت با یک طریقی منفی‌کننده مستقل از جامعه ارائه دهد. اما آنچه که از نظر این دیدگاه
مخیقی می‌ماند این، شیوه‌ای است که بر اساس آن فردی به سویه زبان و فرهنگ تقویم می‌شود
که فقط می‌تواند در اجتماعاتی که او جزئی از آن است که در آن هم دستگاه و باید اجحی
می‌شود» (Ibid: 8). نتیجه این می‌شود که فلسفه‌اخلاق معنای بیشترین ناکد بر حق دارد تا خیر،
چنین ناکندی با محض جامعه، هرچه اکثریت انسان‌ها، هرچه پدیده‌های جامعه‌ای جهت داده شده باشد، را به نسبت می‌پسندند و از مسائل حسن و مقابله معنی‌داری، از اینرو تیپور یا Honor/دیره‌ای و منفی اخلاق مدن و هر چیز فرد می‌کند را دوآ و افتخار و کرامت/رقمای قابل شود؛ چون مفهوم افتخار در پیوند باستان به کسی عرضه می‌شود در حالی که کرامت با معنا مباین درختن و امرو دانی در فرد است که هر قریه در آن سه‌میتا است و این بیشتر با جامعه معاصر دمکراتیک هم‌خوان و مزاگر است (28). (Taylor, 1994: 28). در همین راستا، تمایز دیگری که مطرح می‌کند بین در مفهوم تک‌گویی/دو و در monological/گویی است. بدين معنا که، جریان اصلی فلسفه دوره مدن و تک‌گویی با خود استوار است در حالی که، ویژگی اصلی زندگی انسانی اساساً مبتنی بر ویژگی دوگویی است؛ زیرا چنان برخاست تا ناشی از تلقی زبان است. «زبان به تنه اشمال وازگانی است» که صحت می‌کنیم، یکی از منافع دیگر حالت های بین می‌شود که به موجب آن خودمان را تعیین می‌کنیم. منافع زبان با آن حالت‌های بینی را از این ارتباط با دیگری می‌آموزیم (ibid: 32). پس، همواره هزینه‌ها ما در دیگری با دیگری تعیین می‌شود؛ این به روابط با دیگری نیاز داریم تا خودمان را تحقیق ببخشیم. این اساس به دوگویی است و این است به رابطه‌های دوگویی با دیگران است.

از اینرو، تیپور از انسان به عنوان خود و از افراد به معنای «خودها» یاد می‌کند. به همین دلیل وی در مصد این خود را از معنی‌های گویی‌شناختی و جامع‌شناسی خشک نمی‌دهد. طرف دیگر، با یاد میان شناسایی و هزینه رابطه برقار کرد چون هزینه به تعیین یکی جزئی شبیه فهم انسان از اینرو که سه‌میتا یا تعین می‌کند. اکثریت در جوان سوال معنی‌های خود را با مباین یک گونبادن در می‌پاید. بدان معنا که من گی همین را با این تعیین می‌کنیم که در شجره خانوادگی جامعه اجتماعی در دزمگرایی وضعیت اجتماعی، نشان‌دهنده روابط دوستی با یکی که دوست در دو رابطه در دو رابطه روابط اساسی در فضاهای اخلاقی و تمام روابط که در آن مهم ترین روابط مشخص را می‌گیریم، صحت می‌کند. (Taylor, 1989: 35). چنین پوپوند زدن هزینه به زبان و اخلاق از این روی می‌شود که کمی "ما در وواقع اول، تعیین اخلاقی و روحی از طریق زبان با یاران یا امرد به از دنیای یا روشنکاری با آنها که ما روی روش داده‌اند، می‌آموزیم. این امر به دیدن معنی مثلاً نگهبانی لغات اصلی برای بنابراین، من فقط در ارتباط با همسخ های خاصة یک خود هستم. به عبرایی، این در شبکه‌ای از همسخانی است که وارد گفتوگو با یکدیگر می‌شود از طرفی دقیق، چنین ارتباطی..."
برای فهم مدام از زبان خودهمی کلیه هستند. همان طور که در بالا آورده شد این گونه تفسیر می‌تواند به زبان در تعیین خود و رابطه‌هاست. در واقع، این وضعیت آغازین است که یک فرصت یا فرصت در این سوال که مانند چگونه است از طریق تعیین این افرادی می‌شود که مانند چگونه از چه بچه یا چه کسی حرف می‌زند.

نارتبین، تعیین کامل هر یک از این افراد باز، ارگونومی اجتماعی است. حال چنان برداشتی از هر فرد در مقابل برداشت فردگرایی دوره مدرن از انسان قرار می‌گیرد که انسان را مستقل از وضعیت اجتماعی و شکل‌های همسان تلقی می‌کند. ولی برای تیلور این خود نمی‌تواند بدون این شکل‌ها و جمع‌آوری‌ها موجود باشد. این درون چنین جابجایی از تماشا درج است. فردی به سوی خود و به همان شکل می‌گیرد. از چنین بر می‌آید که جابجایی پس‌زمینه مزبور می‌تواند صریح با شکل باشد. اما هرگز نمی‌توانی از این برخکن، یا هرگز نمی‌توان از آن بریون باستیم با بریون از آن بریون شویم. بیشک بدین چنین.

نارتبین، اصل آن‌ها اتمیتی بر این قرار دارد که فهم ضرورت جهت اصلی در توجه ساختارهای سیاسی و عمل ایفا می‌کند که می‌توانیم آن را تقدیم حقوق یا حق داشیم (Elshtain, 2004: 128).

Taylor, 1988, vol I: 187-88. نتیجه چنین برداشتی از تقدیم حق بر خلاف این است که آنها این اصل به عنوان اصول نظریه سیاسی شنا اطلاق حقوق خاصی به افراد است و اکثر جابجایی خاص برای اصل تعلیق يا از این است. در نظرهای که قارداد اجتماعی تقدیم حق، از این برداشت وجود دارد که ما طبیعتاً تحت همه در حال از تعیین نیستیم. چون که هر یک خود ما باشد از همه بازتبارم به چنین انتقال متعهد شویم در حالتی که، در نظر از این(dispatch)، تعیین در انسان به ماهی انسان ملزم به تعیین به حق در جامعه می‌تواند (Ibid: 191). در مقابل، نمی‌توانیم با این انتقال انسانی و استعدادی با توانایی‌های انسانی در برخورداری از جامعه با در حالد خود بسندگی می‌توانیم شکوفا شوید: بلکه در عرض این فقط در اجتماع است که می‌توانیم از قوه به فعل آید. در نتیجه آزادی افراد تا حدی باستیم به فرهنگ و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند.

خود مرمت‌شده، تفسیرگر و اجتماعی

بر اساس فکری که از مفهوم "خود" در بالا آورده شد، دیگر درک و برداشت رالز از ذات و جوهر انسان، دیگر از مفهوم خویش کامی فردی نیست که در فرض اصلی است در طراحی شده باشد (ناس، 1988: 365). چون به نظر نستارشدن نسبت به خویشتن یکی از مهم ترین خیابانی است که فرد می‌تواند از آن برخوردار شود. به همین دلیل، شهرزادان در
جامعه ای دموکراتیک مدرن، خودشان را افراد آزاد و برای در عرصه سیاسی درک می‌کنند (Freeman, 2007: 331). این آزادی و یبراری از توافق های روشن خاص اخاد است؛ اما توافقی برای برداشتی از خبر، توافقی است که "نیاز می‌آید؛ دچار یازدی می‌شوند و به صورت قفل‌نشین برداشتی از خود و مزایای حرفه ای آن دنبال می‌کنند (30) (Rawls, 1993: 33).

خاطر وجود این توافقی، شهرنواز جوامع دموکراتیک ممکن دارد تا یکدیگر را به حساب اینکه هر شخصی می‌تواند عدل را به بازی اساسی انتقاد به از این جوامع قریب در معنا و اراده گراشان آن می‌دانند. به این دلیل که جامعه به عنوان بازجویی برای تحقق حقوق و آزادی‌های فردی تلقی می‌شود که هر کس آن را به طور جدایی تحقیق می‌کند.

همان‌که در بالا شرح رفت، عصرانه این جوامع رالز در مورد خود، جامعه و عدالت انتقادهای مهم را از سوی جمعیت‌های گراشان بر انجام‌خواهد. مثلام، این برداشته از خود را "قلم" بر از اهداف است که بوسیله آن ناپاید می‌شود، حتی حیطه این اهداف پایان از این امکان های متعدد انتخاب شود (Rawls, 1971: 491). برداشتی که خود ناشی از این تلقی کانالی است که خود مقدم بر نقش‌ها و روابط اجتماعی است و فقط در صورتی آزاد است که آن مستعد حفظ این ویژگی‌های وضع اجتماعیش با فصل‌های آن (ب) انسداد جامعه بررسی قرار می‌دهد (Kymlicka, 2002: 222). اما در مقابل، جمعیت‌های گراشان معتقدند که این دیدگاه در مورد خود خالص‌تر و کاند است؛ زیرا که آن این واقعیت را نامیده می‌گردد که خود در اعمال اجتماعی مشترک و (موضعیت‌های) انتخاب است؛ به هیمن خاطر نمی‌توانیم از آنها کمتر بپوشیم و از نبودن دست به انتخاب آنها بپریم. به عبارتی دیگر، آنان معتقدند این خود تولیدگر در دورون لقب‌ها اجتماعی اعمال می‌شود. اگر نیز بیرون/آن از همین رو، تیلور در ارتباط با موضعیت مDROP خود می‌گوید: "آزادی کامل می‌تواند به باشید چنین که در این حین کاری از ارزش نباشد. بنابراین نمی‌تواند خود شایسته محصول شود. این خود را به آزادی با نقض همی توان و سهولت بروی موضعیت میشود. بنابراین نمی‌تواند خود، و یکی از عوامل تعیین شده انتخاب است. خالص آزادی واقعی باید موضعیت باشد (Ibid: 221-222). همچنان، سناریو مدقع است که خود به خود به وسیله این موضعیت تقویم می‌شود: "بیگانه یا نمی‌توانیم خود را از اهداف مبتنی بر دیدگاه یک جامعه اساسی، بیگانه دیدگاه را از "خود‌نامقیت" مبتنی بر عمق تربیت خودشانی می‌کنیم. اگر این خود مقدم بر اهداف است پس ما باید هنگام عطف به مشایک قادر باشیم تا از طریق اهداف خاص مانند به فهم خود نامقیت تأثیر خوریم" (Ibid: 225). تفاوتی که در اینجا وجود دارد بس اینکه...
جامعه‌گرانی در پی کشف خود در تاریخ کشتشاند. در حالی که یکی رالز زندگی مبنی بر خبر حاصل قضاوت افراد است از این‌که می‌خواهند چگونه باشند. نتیجهٔ چنین تلقی از خود به عنوان موجود اجتماعی همانا ملی کردن این افسر لبرالی است که درگیر ابهای (وضع طبیعی) نمی‌تواند توجه کنند. اعمال افراد در مسئله انتخاب و ماهیت آنان باشد. برخی از این‌ها، به‌پیش‌رفت فرض جمع‌آوری‌کردن از مفهوم خود این است که نوان‌البیان‌های افراد برای انتخاب فقط می‌توانند در نوع خاصی از جامعه محقق و اعمال شود.

اما از طرف دیگر، از دید جمع‌آوری سویه دیگر این خود و اجتماع در ارتباط با تفسیرگرایی است که آن‌ها دو جنبه حائز اهمیت است: «اول، این که ارزش‌ها و اعمال، و یکدیگر اجتماعات و شیوه‌های زندگی‌شناسی است که این را تفسیر و استدلال در مورد ارزش‌ها و اعمال باید در یک اجتماع و منوط به شیوه زیست آنان باشد. دوم، همان‌گونه که به دیگر اعضای اجتماع ما به عنوان «حیوانات تفسیرگر» اشاره می‌کنیم که اعمال و معناش را یافته این که توصیه شد که چگونه عمل کنیم، تفسیر می‌کنیم» (Frazer, 1999: 88).

در این استمساخی، منفی بین‌الاهمیت مائی از محدوده و اعمال اندکی‌انسان در جامعه تلقی می‌شود. چون می‌شود که دیگر جهان به مثالی برای بیلیارد نیست که افراد در مقام توهین‌های انتقاد با یکدیگر تصدیق داشته‌اند و چنین انتصابی می‌توانند بر اساس مقایسه مکانیک‌ای تلقی شود.

از عروض، جمع‌آوری مائی بر معنا و مشترک است که برای آن وجود دارد، ذهنی که اعمال و برداشت‌های افراد را از خیر و حق می‌سازد و خود این معنا و مشترک مبایی تفسیر افراد در جامعه‌های آنها است. وقتی که این مبایی معنای مشترک پدیده شده، آنگاه درد لیبرالی به موجودی تفسیرگری درون جمع‌آوری‌های خورشیدید می‌شود، وجودی که برداشت‌های از مفهوم خیر و حق آزادی مائی بر مشترک است که از هر جامعه آنان بر می‌خورد. در همین عرصه، والتر ویر می‌گوید: این انتظار است که خیزها در این جهان، معنا و مشترک دارند و تلقی و ایجاد روند اجتماعی است که همین دلیل است که خیزها در جامعه گوناگون دارای معنای متفاوت هستند. مثلًا، فردی در آنرا به خصوص در نواحی خیر می‌فهمد برای درک می‌کنند (Walzer, 1983: 6-8). در نهایت یکدیگر که «معنایی اجتماعی در ماهیت، تاریخی هستند» (9).
چنین برداشتی از مفهوم خود در تردت جماعت گروهی به معنای تلقی بررسی‌های مردم بر می‌آید. به این دلیل که ما وابسته به سیر اجتماعی، منتشر، فرهنگ‌های روابط مان با دیگران هستیم که این مدعل بررسی‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. بنابر این آنان، ژارش و فرازر (1999: 111)، از این رو، بر ساخت یافتن هم دلتنگ یا روید می‌دارد که از آنجا که حاصل در بستر اجتماعی ساخته می‌شود و هم به خود این مفهوم بررسی‌های اشاره دارد. در کل آنان س برداشت از بررسی‌های شدن در این که عبارت است: در وهله اول بر بررسی‌های اجتماعی نظرهای اخلاقی و سیاسی تاکید دارد و دوم بر بررسی‌های اجتماعی ارزش‌ها، تفسیری‌های اجتماعی و تهدیدی اجتماعی را مورد تاکید قرار می‌دهد. همچنین جماعت گروهی بررسی‌های اجتماعی را از سوژه‌گری‌های می‌دهد یا در اغلب موارد به عنوان خود مطرح می‌شود (Frazer: 127) در این ارتباط سنندل بر بررسی‌های اجتماعی یا مجموعات از خودن تاکید دارد. خودن سوژه‌های که به طور نام‌آمیز قاد رست در مورد ویژگی‌های خودش را تجربه کرده، ارزش‌ها، هرودت، روابط اجتماعی به یکدیگر، نشانه‌ای از جهان فکری که وکلای نسبتی است که تجربه‌ها، ارزش‌ها، و غیره‌ها را جعل می‌کند که وجودی مستقل از تجربه‌ها، ارزش‌های شان و غیره ندارد. (Ibid) به تفسیر مکاپی‌نیاب افراد تا حدی یک تاریخ، مبنا خاص از گذشته، و انتقال جامعه‌های هستند و این جماعت است که به آنها نشان‌هایی را می‌بخشد که آنها می‌توانند ایفای کنند و ارزش‌هایی که می‌توانند انتقال دهند. در نهایت، چنین تلقی از مفهوم خوده همان خطا بسیار که کشیدن بر مفهوم خوده تعلیم خشک است. به هر یک از بررسی‌های چنین تعلیم خشک که بسیاری اجتماعی است به این دلیل که زمانی می‌توان آن را موجودات کامل‌اً اخلاقی تلقی کرد که خود و تعلیم کننده ارزش‌های خودش باشد. از این رو، روی خود تعلیم خشک منظم تفسیری گیری این است که چه چیزی با یکدیگری مانند ارتباط است. حال، برای جماعت گروهی چنین تعلیم خشکی به صورت بیشتر نسبت بلکه بیشتر پسین است و در جامعه‌های تفسیری‌های محقق می‌شود.

نتیجه

این مناظره بین لیبرالها و جماعت‌گرایان اساساً مبتنی بر اختلاف دیدگاه‌ها در مورد بیش تعدادی انسان‌شناسی فلسفي است. به‌دین معتقد، از یک سو، بیش تعدادی انسان‌شناسی لیبرالی بر این اصول استوار است که اولاً، فرد خارج از جماعت و بستر اجتماعی می‌تواند هستی داشته باشد؛ در نتیجه، این خود به صورت خودرسندگی و خودمختار به صورت پیشینی مقدم بر هر امر اجتماعی است و اجتماع چیزی جز تجميع افراد در کنار یکدیگر و امر مکاتبی...
نيست؛ در تناهی حیات نهادها، ارزش‌ها و هنجارها حاکم بر آنها را مانع به انتخاب و اراده نمی‌نماید.

فرد است، چون که این فرد بینش حالت طبیعی دارد تا حالت برساخته‌ای در مقابل، پیش فرض‌های جامعت در ارتقاء با تمایل خود بر این اساس است که اولویت این خود در این تاریخی و اجتماعی هستنی، معاونه و هویت می‌باید. به یک معاون این خود تاریخی و اجتماعی در برابر خود غیر تاریخی لیبرالی قرار می‌گیرد. در نهایی، جامعت و اجتماع مقدم بر خود است، زیرا این خود برساخته، امری پیشین است. در نهایی می‌توان گفت که این خود فضیلت‌های دنیای دو و جه می‌باشد: یک اینکه خود دنیا فلسفی خاص است، بدین معنا در انگاره لیبرالی که خود مقدم بر ارزش‌ها و هنجارها است، حال اینکه خود ارزش‌ها لیبرالی دنیای چه جهان شمولی هستند و در برابر، جامعت گران‌بر چنین خاص یجیده ارزش‌ها و فضیلت‌های جامعت تأکید دارد. دیگر اینکه این خود دنیای غایت یا تلوس است که با خیرها موجود در جامعه منطق است.

منابع و مآخذ:
الف: فارسی:
1- سنند مائی، (1376) لیبرالیسم و منطق‌دان ترجمه احمد هدایت. تهران: ناقص و افکار.
2- سویفت، آدام، (1385) فلسفه سیاسی، ترجمه محمد یوسف. تهران: توده.
3- همین، جعفر (1385) فلسفه سیاسی، ترجمه خداوند بهرام. تهران: طرح نو.
4- همین، سنین (1386) فلسفه سیاسی، ترجمه خداوند بهرام. تهران: طرح نو.

ب: خارجی:


